

## جناب پروفیسور جلالی !

### آخر چرا و تا بگی ازین دَدی \* ما دست بردار نرسیتید؟

جلالی صاحب گرامی ! گرچه بدرسدن دادن ها عادت نکرده و حال هم نمی خواستم از شما ها ! که هم دانشمندان منورما ولی فرمان بردار دیگران واغنیای قارونی برای خودها وهم مغزها ی متفکر فراری ازین شهر وکشور ویران ما هستید؛ حتی بنام اهل و عیال این ملت منتظر به عزرائیل ؛ کوچکترین خواهش مظلوما نه بنمایم و با همین حالتی که دوست و دشمن از زمین و آسمان مرمی و راکت و سنگ و چوب نثارما کرده روانند خدا گفته میسازیم زیرا برای ما زمین مساخت و آسمان مصفای شما دور است ! ولی امروز اقلأ به حکم زجر وجدان و گلوله خورئ بام تا شام ؛ که ممکن است برای شما خنده آور باشد ! با خواندن اعلامیه ها ی متواتر بلند بالای دارالانشأ تشکیلات فعالیت های سیاسی و اجتماعی تان در کابل خرابه شده ؛ جگرم گل زده و گلویم بغض کرده و فریادم را سر داد که از شما ها پپرسم که ؟

### وطن را که دَدی ساختید و مردم را برده! آخر چرا از سر کل ما دست بردار نرسیتید؟

جناب جلالی بیا بیید صادقانه حرف بزنید ! آیا شما در برابر آن دانشی که شما را بکرسی پروفیسوری آنها در اکادمی علوم نظامی .....! رسانده شما نت و کوچکی حس نمی کنید که در یک سر زمین ویران شده ( زادگاه دیروز تان ) و در بین مردم در حال نزع آن آرگاه و بارگاه دارالانشأ تشکیلات فعالیت های سیاسی و اجتماعی خود را با چه اعلامیه های مطبوعاتی پرتمطراق تان را برای خدمت بد یگران فعال ساخته و از دارالسلطنه قصر نشینی ما و رای بحارتان ناظر بودند جنگیها درین خاکدان شده ما بوده و اصلاً از درد بی استادی حربی پوهنتون ما هیچ خود را نمی خرید . آیا شما به خاطر داری بی که شخصیت نیک و خادم مطبوعات راستین و طن ( غلام جیلانی خان جلالی و پاکي مادرش برده مکرمة تان ) پائی شماها را برین سر زمین رساند تا ما نند خود شان وطن را خادم باشید! - ولی چرا شما ها با کشیدن بال - یکی پاک باز و دیگری شمال زده و دیگری غرب نشان و آنچه نی شده - و باز از وزارتک و وطن بهره برداری کرده ولی از بردن نام دزد و دغل و مختلس هم شیر غلت زده و انتخابات ارگ گیری را ببازی شیر و خط و گرگ و میش کشا رتید ! لطفاً حرف مردانه بزنید که باکی تبسم دارید ؟ و چرا بقول وطنی ما قطع و چال روی تا نرا مردانه باز و میدانی نمی کنید و بی تو بره تان را بر شانه انداخته راه را برای مردان میدان و سخن مردانه ایلا نمیکنید؟ و اگر چشم براه صدارتکی و یا بالکه بازی های خلیل زاد صاحب هستید و چوری زنی ! آخر او کجا و دانش و تجربه شما کجا ! او که خود افغان نیست و راه شان جداست ! باید بدانید چرا و مگر شما نشنیده اید؟ که هیله نا بود از کرم خدا دور است ! پس جلالی جان دانشمند ! بیا افغان شو و مرد میدان پدر ما نند گذشته های پاک سرشتیت استاد راستین حربی پوهنتون افغانستان ( نه دیگران ! ) که فرزندان تباه شده این سرزمین بشما زیاد ضرورت دارند ( نه دیگران ! ) و اگر میدانی که خشتت از قالب وطن بر خواسته و سر به هوای دیگران دارید ! شما میدانید و دنگ دنگ آخرت تان . مگر بلحاظ خدا و گور والدین پاک سرشت تان یک دفعه بشنوید: که

### مارا زخیر شماها امید نیست - شرم سازید و بس !!!!!!!

جلالی صاحب مکرم - لطفاً جلالی نشوید و به آرامی بشنوید و در تان را بقراری بخورید که دنیای بعد ازین شماها دو روز است و نه این خاک و این ملت بی صاحب - بروید و ما نند دیروزها مستقیم به شوروی نظر آب بازی تانرا دوام بد هید - چرا شف شف گفته ۹ تا تندور در بام وطن و شورا های نگهبان و دفتر های آن چنان برای خدمت دیگران میسازید - ولی به گلو ی یک غریب و گدای وطن - و مانند نظاریان و عبدا لله گل تان ! - یک قطره آب از

همین دست‌ها ی مفسد ا ل حال تان نمی چکد و چرا؟ و چرا؟ چلو صاف تان از آب بر آ مدنیت که اقارب ( ع قارب شده نظاری بنیاد شخص شخیص تان) یعنی شوهرها ی همشیره ها مکرمه و شوهر جان برادرزاده عزیز تان و دیگر عقر بک بازی های تان در اتحاد شمال پف کُن مثل پروانه دور تان میچرخند و میرقصند و میزبان خادم تان اند که اگر عبد الله گل شان پُچُل بر آید!!!!!! شما - بلی شما - بلی خود جناب معظم دانشمند شما تخم و مچک نظاری و قانونی جانرا مانند داخله سراپا محصور و مسجور و معارف سراپا معلم ناهم و پُر قصور حتماً سر پوش میشود و باز هم سوا لبست که چرا خاین می پرستید و وطن راصدقه سر و پائی دیگران میکنید!

## جلالی جان - ح پ مردو داخله مردار! برو این دام بر مرغ دیگرنه - که عنقارا بلنداست آشیانه - فهمیدید؟

- دَدَئِ اسم خاص اصطلاحی ولایت جنوبی افغانستان بوده و آنرا بر گوسالهٔ مردهٔ یک گاو شیرده اطلاق میکنند که محتویات فاسد شونده داخل وجودش را بدور انداخته و پوستش را مانند گوسالهٔ زنده، کاه خشک پُر میکنند و وقت دوشیدن گاو (مادرش) گاو را بر او آورده و روی پوست گوساله قدری آرد گندم میریزند تا گاو بیچاره با فریب لبسیدن آرد و موجودیت گوسالهٔ خود - شیر بدهد و شیرده بماند